آموزش و پرورش در عصر هخامنشیان

نویسنده : احمدی، داریوش

است:1-...2-واژه‏ی لر مخفف‏ اللور می‏باشد که آن‏هم نام شهری‏ در شمال غربی دزفول یعنی‏ در حوالی اندیمشک واقع بوده‏ است...».13

مینورسکی به نقل از تاریخ‏ گزیده اسم لرها را به محلی موسوم‏ به لور در گردنه‏ی مانرود(در ارتباط با خاطره‏ی شهر اللور عربی‏ و صحرای لور در دزفول و لیر در جندی شاپور و لیرا در کهگیلویه) نسبت می‏دهد و به استناد نوشته‏های مسعودی و یاقوت الوار را از اکراد می‏خواند.اما به‏ عقیده‏ی ما نام قوم لر با شهر لور پیوندی ندارد.بهترین دلیل تلفظ دوگانه‏ی این دو نام در گویش‏ لری‏ست که آن‏ها را از یک‏دیگر جدا می‏کند.

آن‏چه از شهر تاریخی لور برجای مانده،بخش شمالی شهر اندیمشک یعنی کوی لور می‏باشد.

پی‏نوشت‏ها

(1)-قرائن نشان می‏دهد جایی که شهر لور در آن بوده،پیش از اسلام نیز مسکونی‏ بوده است.آثار سفال دوره‏ی ساسانی و کشف اتفاقی یک پیکرک کوچک به شکل‏ زن از جنس استخوان و به طول حدود بیست سانتی‏متر در اندیمشک موید این‏ است،این پیکرک مربوط به آناهیتا بوده. نام سیاری در مجاورت لور(کوی‏ فرهنگیان امروز در اندیمشک)یادآور شهر ایلامی به نام سیداری در آن حدود است.

(2)-سفرنامه‏ی ابن حوقل،چاپ‏ دوم،ص 29.

(3)-همان‏جا،ص 22.

(4)-احسن التقاسیم،چاپ اول،ص 611.

(5)-مسالک و ممالک،تهران،1347،ص‏ 163.

(6)-احسن التقاسیم،ص 611.

(7)-سفرنامه‏ی ابن حوقل،ص 29.

(8)-لسترنج،گی،چاپ چهارم،ص 258.

(9 و 10)-سفرنامه‏ی راولینسون،چاپ اول، ص 77.

(11)-برهان قاطع،تهران، 1362.

(12)-امان اللهی بهاروند،سکندر، قوم لر،1370،ص 15.

(13)-همان‏جا، ص 19.

(14)-مینورسکی،لرستان و لرها،چاپ اول،صص 22-21.

(15)-مستوفی،حمد للّه،تاریخ گزیده،چاپ‏ سوم،ص 537.

آموزش و پرورش در عصر هخامنشیان

داریوش احمدی

درباره‏ی چند و چون آموزش و پرورش کودکان در ایران عصر هخامنشی،دانسته‏های اندک و پراکنده‏یی در دست است که ازپاره‏یی متن‏ها و اسناد محلی متعلق بدین دوران و نیز گواهی نویسندگان‏ و مورخان یونانی حاصل شده‏اند.

برای نمونه،در دو قطعه از گل‏نوشته‏های ایلامی تخت جمشید( OF871,1137 هلوک،1969: 252،330)از«پسرانی پارسی‏[که‏]در حال رونویسی متن‏ها هستند»،یاد شده که در بیست و سومین‏ سال پادشاهی داریوش بزرگ(499 پ.م)جیره‏های معینی را برای گذران زندگی خود دریافت کرده‏ بودند.اما دانسته نیست که این پسران در حال آموزش و تمرین خط و نگارش ایلامی بوده‏اند،یا پارسی‏ باستان.از آن‏جا که استفاده از خط و زبان پارسی باستان بسیار محدود و صرفا منحصر به نگارش‏ کتیبه‏های یادبودی شاهانه بوده است،منطقی به نظر می‏رسد که این پسران به آموزش خط و زبان‏ ایلامی که زبان دیوانی و رسمی شاهنشاهی در آن مقطع بوده،اشتغال داشته‏اند.نکته‏یی که از گواهی‏ این گل‏نوشته‏ها برمی‏آید،آن است که فراگیری و کاربست خط و زبان ایلامی منحصر به خود ایلامیان‏ نبوده،بلکه پارسیان سنتا نانویسا نیز می‏توانسته‏اند بنا به ضرورت یا علاقه‏ی خود،به فراگیری این خط و زبان غیر ایرانی بپردازند و به عنوان دبیر در دستگاه دیوان شاهنشاهی فعالیت کنند.نکته‏ی دیگر، اختصاص حقوقی معین به کودکان مورد اشاره است که نشان می‏دهد در آن روزگار حتا برای‏ فعالیت‏های آموزشی کودکان نیز مزد و حقوقی در نظر گرفت شده بود.گفتنی‏ست که در آن دوران، کارمزدهای پرداختی عبارت از جیره‏یی غذایی بود که هم می‏شد از آن برای مصارف شخصی استفاده‏ کرد و هم آن را با کالاهای مورد نیاز دیگر،مبادله نمود.

منابع یونانی موجود نیز،اطلاعاتی را درباره‏ی چند و چون آموزش و پرورش در میان پارسیان، به دست می‏دهند.به نوشته‏ی هردوت(تواریخ 1/136)،پارسیان به کودکان‏شان از پنج سالگی تا بیست سالگی فقط سوارکاری،تیراندازی و راست‏گویی می‏آموخته‏اند،چرا که به باور پارس‏ها، زشت‏ترین کار دروغ‏گویی(1/138)بوده و دلاوری در جنگ برترین نشانه‏ی مردانگی(1/136).

بیرون از پارس،بویژه از بابلستان و مصر،مدارک و شواهد بسیاری درباره‏ی چند و چون آموزش و پرورش در این بخش از امپراتوری هخامنشی برجای مانده است که به تدوام نظام‏های سنّتی آموزشی‏ آن‏ها در زمان فرمانروایی هخامنشیان دلالت دارند.در این دو ایالت پارسی،آموزش و پرورش رسمی‏ محدود به پسران بود.در آموزشگاه‏های دبیری،خواندن و نوشتن و نیز اندکی دستور زبان،ریاضیات و اخترشناسی آموخته می‏شد.در بابل عصر هخامنشی،باسوادی در میان جمعیت غیر ایرانی آن رواج‏ بسیاری داشت؛دبیران بابلی پرشمار و شامل پسران شبانان،ماهیگیران،بافندگان و غیر آنان بودند.

از میان رودان متن‏های درسی بسیاری به‏جای مانده است.این آثار شامل واژه‏نامه‏های سومری- بابلی،الواحی با نشانه‏های میخی و مجموعه‏یی از سرمشق‏های تمرینات دستوری هستند.میزان‏ باسوادی حتا در میان مهاجرنشینان نظامی هخامنشی در الفانتین مصر نیز بالاتر از آن بود،به‏طوری‏ که در آن‏جا کسانی که بر نوشتن یک قرارداد شاهد و گواه بودند،آن را به نام خودشان،معمولا به زبان‏ آرامی،امضا می‏کردند.به گواهی«اوجاهوررسنه» (Ujahorresne) یک شخصیت برجسته‏ی مصری در عصر کمبوجیه و داریوش یکم،داریوش بزرگ بدو فرمان داده بود که آموزشگاه پزشکی واقع در ساییس‏ مصر را بازسازی کند.اما به نظر می‏رسد که در میان مصریان آموزش و پرورش،هم‏چنان امتیازی‏ منحصر به اشراف بوده است؛چه،اوجاهوررسنه اظهار می‏دارد که کودکان«افراد بی‏اهمیت و فروپایه» در میان دانشجویان این آموزشگاه پزشکی جایی نداشته‏اند.(داندامایف،1998:179)

منابع

.Dandamayev,M.A.1998,"Education in the Achaemenid period",in:E.Yarshater(ed), Encyclopaedia Iranica,vol.Vlll,pp.178-179

.Hallock,R.T.1969,Oersepolis Fortifcation Tablets,Chicago

.Schmitt,R.2000,The Old Oersian Inscriptions of Naqsh-i Rustal and Oersepolis,London